

كجاست آن كسيكه پاره كننده رشته هاي دروغ و افترا است؟ (فرازي از دعای ندبه)

سلام به همه عزيزان

مدتی است كه جریان احمد بصری ، كه خود را احمد الحسن می داند و لقب یمانی ، وزیر امام زمان ، امام سیزدهم ، مهدی اول ، وصی امام زمان و... را به خود داده است (دیگر هرچه لقب بود به خودش داده و چیزی برای امام زمان نگذاشته است!!!) خودشان را به آب و آتش می زنند تا اولا علمای آخرالزمان و مراجع را در حدیث ، بدنام كنند و آنها را دشمنان امام زمان(عج) بدانند ، و از طرفی بحث تقلید و مرجعیت را یک چیز ساختگی و بدعت قلمداد كنند كه از چند سال پیش ، عده ای از علما آن را راه انداخته اند!!!

ما ابتدا روایاتی در باب تأیید علما و فقها می آوریم و سپس چندین نمونه از روایاتی كه طرفداران یمانی به آن استناد کرده اند را می آوریم در باب مذمت و رد فقها و اثبات می كنیم كه آن روایات جعلی هستند یا ناقص و بریده نقل شده اند تا دروغ آنان را بیش از پیش رسوا كنیم.

جریانی كه امام باطل آنها ، مشهور است به جعل حدیث و تقطیع حدیث ، قطعاً انتظار این كه شاگردان و طرفداران این مكتب نیز دست به چنین كارهایی بزنند ، دور از ذهن نیست. سپس به روایات و مستندات از علما در باب تقلید می پردازیم.

بخش اول:

روایات تأیید علما و فقها

در آیه ۱۸ سوره سبا ، كلمه (قریه ظاهره) آمده است كه طبق روایات ، منظور علمای شیعه هستند.

در متن روایت كه در كتاب احتجاج طبرسی ج ۲ ص ۳۲۷ آمده است ، صراحتاً لفظ فقهای شیعه آمده است در مورد این آیه كه منظور از این قریه ظاهره ، همان فقهای شیعه هستند كه كلام اهل بیت(ع) را برای شیعیان بازگو می كنند ، طبق این حدیث ، كاملاً مشخص است كه فقهای شیعه ، گروهی جدا از امامان شیعه هستند.

خوشمزه و خنده دار اینکه یکی از مدعیان این جریان گفته بود که منظور از علما همان ائمه هستند!!! که طبق این روایت باید ایشان فاتحه ای بر سواد خود بخواند و البته روایاتی بی شمار دیگر که کاملاً مشخص می کند علما گروهی غیر از ائمه هستند ، هرچند علمای کامل و صاحب علم الهی ، همان اهل بیت هستند.

اما یکی از زیباترین روایات که کاملاً نقش علما را در آخرالزمان و صراحتاً در زمان غیبت مشخص می کند ، روایت فوق العاده ای از امام هادی(ع) که این روایت ، خط بطلانی است بر ادعاهای خنده دار جریان احمد بصری که علمای آخرالزمان را دشمنان حضرت می دانند.

روایت در کتاب احتجاج ج ۱ ص ۱۸ آمده است.

برای اثبات حرف خودمان ، متن عربی روایت را هم می آوریم. قابل توجه است که اکثر افراد مدعی جریان احمد بصری ، متن فارسی روایات را می آوردند!!!

مثل اینکه این افراد بسیار عالم!!! نمی دانند که برای استناد به کلام اهل بیت ، باید متن عربی روایت آورده شود.

۱. امام هادی (ع) می فرمایند:

لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبِهِ قَائِمُكُمْ عٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَ الدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ الْمُنْقِذِينَ لَضَعْفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرْدَتِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ النَّوَاصِبِ لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمْسِكُونَ أَرْمَةَ قُلُوبِ ضَعْفَاءِ الشَّيْعَةِ كَمَا يُمْسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سَكَّانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.
(احتجاج ج ۱ ص ۱۸)

ترجمه:

اگر در پس غیبت امام قائم علیه السلام علمائی نبودند که داعی بسوی او بوده و اشاره به او کنند، و با براهین الهی از او دفاع نمایند، و بندگان مستضعف خدا را از دام ابلیس و اعوانش برهانند، و از بند نواصب (دشمنان اهل بیت) رهایی بخشند، همه مردم از دین خدا دست کشیده و مرتد می شدند. لکن علماء کسانی هستند که زمام قلوب شیعیان ضعیف ما را در دست داشته و مهار می کنند، همچون ناخدای کشتی که سگان آن را در دست دارد. این گروه همان شخصیت‌های برتر و افضل در نزد خداوند با عزت و جلال می باشند.

در این روایت به صراحت به نقش علما در زمان غیبت اشاره شده است ، اینجا دیگر نمی توانند طرفداران احمدالحسن بگویند که منظور از علما ، همان ائمه است ، چون صراحتاً به وجود آنان در زمان غیبت اشاره شده است.

این یک روایت در مورد نقش علما . اما روایات دیگر که به بزرگی جایگاه علما اشاره دارد را در ذیل می آوریم.

۲. قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عَ الْعَالِمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ فَكُلُّ مَنْ أَبْصَرَ بِشَمْعَتِهِ دَعَا بِخَيْرٍ كَذَلِكَ الْعَالِمُ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُزِيلُ ظُلْمَةَ الْجَهْلِ وَالْحَيْرَةَ فَكُلُّ مَنْ أَضَاءَتْ لَهُ فَخَرَجَ بِهَا مِنْ حَيْرَةٍ أَوْ نَجَا بِهَا مِنْ جَهْلِ فَهُوَ مِنْ عَتَقَائِهِ مِنَ النَّارِ وَاللَّهُ يُعَوِّضُهُ عَنْ ذَلِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ لِمَنْ أَعْتَقَهُ مَا هُوَ أَفْضَلُ لَهُ مِنَ الصَّدَقَةِ بِمِائَةِ أَلْفِ قِنْطَارٍ عَلَى الْوَجْهِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ بَلْ تِلْكَ الصَّدَقَةُ وَبِاللَّهِ عَلَى صَاحِبِهَا لَكِنْ يُعْطِيهِ اللَّهُ مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ يُصَلِّيَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيِ الْكَعْبَةِ. (احتجاج ج ۱ ص ۱۷)

ترجمه :

از امام باقر علیه السلام نقل است که فرموده: عالم همچون شمع - بدستی است که به مردم روشنی می بخشد. و مشمول دعای خیرشان گردد. فرد عالم دارای شمع علم و حکمتی است که تاریکی جهل و حیرت را نابود می سازد، پس هر که بکمک آن روشنی، از جهل رهیده و از اسارت آن خلاصی یابد، به حساب فرد عالم از آزادشدگان آتش است، و خداوند به تلافی آن به تعداد هر تار موی کسی که آزاد نموده، بیشتر و بهتر از صدقه صد هزار قنطار کسی که در غیر راه خدا خرج نموده به او دهد، بلکه این صدقه برای صاحبش موجب وبال و گرفتاری است، ولی خداوند به او چیزی عطا فرماید که از پاداش صد هزار رکعت نماز در مقابل کعبه برتر و بهتر باشد.

در این روایت هم به خوبی به نقش علما در رهاندن مردم از جهل و خرافات اشاره شده است. بله، نقش مهم عالم این است که مردم را از خرافاتی مثل احمدالحسن، دور می کند، و برای همین هم هست که این جریان از علما و مراجع فراری هستند و آن ها را دشمن می دارند!!!

۳. قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَ عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ - الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَتَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ أَنْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مُحِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَسْبَابِهِمْ. (احتجاج ج ۱ ص ۱۷)

ترجمه :

علمای شیعه ما همچون مرزداران، مانع یورش شیاطین به شیعیان ناتوان شده، و جلوی غلبه ناصبان شیطان صفت را می گیرند. پس بدانید هر که این گونه در مقام دفاع از شیعیان ما برآید فضیلتش از جهادکننده با روم و ترک و خزر، هزاران بار بیشتر است، زیرا آن از کیش پیروان ما دفاع می کند و این از جسم آنان دفاع می کند.

این روایت دیگر اوج ارزش یک عالم شیعه را می رساند، آنجایی که مانع نفوذ شیطان صفت هایی همچون مدعیان دروغین می شوند و جلوی آنان را می گیرند تا مردم را گمراه نکنند.

در این روایت صراحتاً امام معصوم ، ارزش علمای شیعه را هزاربار بالاتر از مجاهدان می داند!!!

کجا هستند طرفداران احمدالحسن که بگویند این روایات تأیید علما است یا رد آنان؟

اما به دلیل اینکه مقاله طولانی نشود ، بقیه روایات را فقط ترجمه اش را می آوریم اما سند متن عربی را می دهیم تا هر که خواست رجوع کند و متن عربی روایت را هم ببیند .

۴. از امام کاظم علیه السلام نقل است که فرموده: فقیهی که در پی نجات یتیمی از ایتم ما- که نه ما را دیده و نه به ما دسترسی دارد- برآید، و او را در حدّ نیازش آموزش دهد، [تحمّل این یک فقیه] بر ابلیس سخت تر از هزار عابد است. زیرا فرد عابد فقط برای نجات خودش تلاش می کند، ولی ، فقیه علاوه بر خود به فکر تمام بندگان خدا می باشد، تا آنان را از دست ابلیس و یارانش نجات دهد، به همین خاطر [مقام او] نزد خداوند از هزار هزار زن و مرد عابد برتر است. (احتجاج ، ج ۱ ، ص ۱۷)

روایت را دیدید؟؟؟؟

مقام فقیه را مشاهده کردید؟؟؟؟

مقام فقیه هزار هزار (یک میلیون) برابر از عابد است. چرا؟

چون فقیه ، مردم را از دست ابلیس و سربازانش که یک نمونه آن ، مدعیان دروغینی همچون احمدالحسن هستند ، نجات می دهد و جلوی گمراهی آنان را می گیرد.

۵. از امام حسن عسکری علیه السلام نقل است که فرموده: روز قیامت علمای شیعه ما عهده دار محبّین و اهل ولایت ناتوان ما می باشند، و در حالی پا در آن ساحت گذارند که نور از تاج سرشان می تابد، و بر سر هر کدام تاجی زیباست، و این انوار در تمام عرصه و سرای قیامت تا مسیر سیصد هزار سال پخش می شود، و پرتو نور آن تاجها، تمام صحنه قیامت را در بر می گیرد. و در آنجا تمام یتیمانی که کفالتشان را بر عهده داشته، و از تاریکی جهل رهایش ساخته، و از حیرت گمراهی خارجشان کرده، با پرتوی از آن نور مرتبط شده، و چنگ انداخته و بالا روند تا روبروی بالای بهشت رسند، آن وقت هر کدامشان را در منازل از پیش تعیین شده در کنار اساتید و معلّمینشان فرو آورده، و به خدمت امامانی که بسوی آنان می خواندند حاضر نمایند. و پرتو نور این تاجها، دشمنان اهل بیت را کور و کر و لال نموده و به سوی آتش سوق دهد. (احتجاج ج ۱ ص ۱۸)

در این روایت هم صریحا به جایگاه رفیع علما و فقها در فردای قیامت ، اشاره می کند.

اینها فقط چند نمونه از روایاتی بود که جایگاه و نقش یک فقیه و عالم را مشخص می کند ، مخصوصا روایت اول که کاملا و صریح در مورد زمان غیبت بوده است.

آیا رواست به چنین افرادی که ائمه (ع) آن ها را تأیید کرده اند ، تهمت دشمنان امام زمان بدهیم؟

آری ، قطعا دشمنان اهل بیت و مدعیان دروغین ، همچون احمدالحسن ، وقتی می بینند فقها و مراجع ، نیت شیطانی و خبیث او را رسوا می کنند ، باید هم با او دشمن باشند ، همان طور که همکاران قبلی او از جمله علی محمد باب شیرازی ، چنین ادعاهایی را مطرح کرده و علمای قم را به جهت اینکه با او دشمن بودند ، صاحبان نفس های شرور و شیطانی معرفی کرده است!!! و بهتر است وارد شهر قم نشود !!!

ما نمی دانیم باید حرف ائمه (ع) را گوش کنیم یا احمد الحسن و طرفداران او را!!!!

از طرفی می گویند برای ما از ثقلین ، دلیل و نشانه بیاورید و از طرفی وقتی می آوریم ، آن را رد می کنند.

وقتی روایتی معارض می بینیم ، یعنی روایاتی در تأیید علما و روایاتی در رد علما ، باید بین آن ها جمع کنیم ، یعنی بدانیم منظور همه علما نیستند ، بلکه آن علمایی مورد رد اهل بیت (ع) هستند که همچون شیعه انگلیسی و همچون علمای وهابی و ناصبی و همچون علمای زیدی و... مردم را از راه راست منحرف می کنند.

اما حالا به برخی روایاتی می پردازیم که این جریان یمانی کذاب ، به آن استناد می کنند برای رد کردن علمای شیعه تا نشان دهیم چقدر اهل مکر و فریب هستند و با دستکاری در روایات ، می خواهند به مقصود خود برسند ، همان کاری که علمای یهود می کردند و خدا شدیداً آن را توبیخ کرده است.

۱. عکس زیر را عینا از مقاله استاد و سرور عزیزم ، استاد محمد شهبازیان ، اقتباس کرده ایم. توجه شود که در زیر خطبه احمد الحسن ، آدرس این خطبه در سایت احمد آمده است تا راه فرار بر این افراد بسته شود.

الف (استناد احمد اسماعیل به حدیثی جعلی در خطبه ی حج خود

احمد اسماعیل در مذمت فقها، به روایتی تمسک کرده که از احادیث جعلی می باشد. او در خطبه حج خود می گوید:

شما را به شورای کوچک دعوت کردند، احکام خدا را تغییر دادند همانگونه که اهل سقیفه این عمل را در شورای بزرگ انجام دادند، پس دیروز این عمل را با علی ابن ابی طالب (ع) در مدینه انجام دادند و امروز آنرا با امام مهدی (ع) در عراق پایتخت دولت مهدویت انجام می دهند از حدیفه یمانی و جابر ابن عبدالله انصاری از رسول الله (ص) نقل است که فرمودند: وای بر امتم، وای بر امتم، از شورای بزرگ و شورای کوچک.

از ایشان سؤال شد: شورای بزرگ و کوچک کدام است؟ ایشان فرمودند: اما شورای بزرگ بعد از وفاتم در شهر خودم و برای غصب خلافت برادرم و غصب حق دخترم منعقد می شود و اما شورای کوچک در غیبت کبری در زوراء (بغداد) برای تغییر سنت و تبدیل احکام منعقد خواهد شد.

(<https://alnahdyoon.org/inaamesdarat/khetabat-sayed.html>)

اما در نقد این کلام احمد الحسن و حدیثی جعلی که به پیامبر خدا(ص) نسبت داده است باید گفت که

اولا

سند این حدیث را کتاب ۲۵۰ علامت ظهور نوشته حسنی طباطبایی ذکر کرده است ، که این کتاب دارای احادیث بسیار ضعیف و شاذ و نادر است و نویسنده این کتاب فردی بوده که اصلا در نقل روایات ، دقیق نبوده است و حتی می گفت خوابی را مادرم دیده که گفته از یاران مهدی (عج) هستم!!!

ثانیا

حسنی ، این روایت را از منقولات جناب ابوالحسن مرندی آورده است که این فرد هم در کتاب خود احادیث جعلی آورده است ، احادیثی که هیچ کدام در کدام قبلی حدیثی نبوده است .

مرندی فردی بوده که ضد مشروطه بوده و برای اینکه جریان و نهضت مشروطه در زمان قاجار را تضعیف کند ، دست به جعل این روایت زده و چهار شورا را ، شورای باطل اعلام کرده.

دارالنده ، سقیفه ، شورای کشتن امام حسین(ع) و شورای ملی ایران که خواسته نهضت مشروطه بوده است.
او به این روایت استناد می کند که پیامبر فرمودند در غیبت کبری ، شواری تشکیل می شود که باطل است!
منظورش همان شورای ملی مشروطه بود و سپس به دروغ این حدیث را به کتاب مناقب العتره ابن فهد حلی
نسبت داده است!!!!!! (کتاب فجایع الدهور مرندي ، ص ۵۷)

در حالیکه با رجوع به کتاب ابن فهد حلی و دیگر علمای شیعه ، اصلا به چنین روایتی بر نمی خوریم!!!!

ثالثا

یکی از مهمترین نشانه ها بر ساختگی بودن این روایت این است که در این روایت ، واژه غیبت کبری آمده است!!!
خوانندگان عزیز خوب است بدانند ، لفظ غیبت صغری و کبری در هیچ کدام از روایات ما نیامده است ، و این
معنای تحت اللفظی روایات است که شده ، وگرنه در هیچ روایت عربی از اهل بیت در کتب معتبر شیعه ، واژه
غیبت کبری به کار نرفته است ، بلکه گفته شده ، مهدی دو غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگریست.

خود این نشانه ، یکی دیگر از نشانه های جعلی بودن این روایت است. حال باید دید احمد الحسن که خودش را
امام می داند و معصوم و عالم به علم الهی ، چگونه می فهمد که این روایت جعلیست!!!

هرچند او سابقه این کار را قبلا هم داشته ، بیشتر از این او انتظار نداشته باشید.

اربابان آمریکایی و اسرائیلی او یادشان رفته است به او بگویند این روایت را برای مردم نگوید!

۲. و اما روایت دوم

یکی از مشهورترین روایاتی که جریان احمد الحسن برای رد کردن فقها به آن استناد کرده اند ، روایت ذیل می
باشد که آن را با سندی که در سایت خود این جریان است ، می آوریم.

این روایت را زیاد در کانال ها و گروه های اینها دیده ایم ، و اما روایت:

ب) جعل سخن ابن عربی به نام امام صادق علیه السلام !!

در میان فرقه های مختلف و مانند گروهک احمد اسماعیل ، گزارشی را به نام امام صادق علیه السلام علیه فقها

نقل می کنند که متن آن چنین است:

(و قال علیه السلام أيضا:)

- و لولا أن السيف بيده لأفتى الفقهاء بقتله! ... إذا خرج فليس له عدو مبین إلا الفقهاء خاصة

و اگر شمشیر در دست مهدی علیه السلام نبود ، فقها فتوای قتل او را می دادند ... وقتی مهدی خروج

می کند دشمنی آشکار تر از فقها ندارد . (-/56 / <https://al-mahdyoon.org/shobohat>)

rad.../413-naraj-e-r.htm

خب ، هرکسی که این متن را بخواند ، بی تردید نسبت به فقها بدبین می شود و حکم به دشمنی فقها با امام زمان می دهد و نگاهی به فقها بدبین می شود!

اما ما می خواهیم پرده از این دروغ احمد الحسن و این جریان ، برداریم .

با ما همراه باشید!

با مراجعه به منبع اصلی متوجه می شویم که این متن ، حدیث امام صادق (ع) نبوده است ، بلکه جمله ابن عربی ، از عرفای قرن هفتم بوده است!!! که جناب مرنندی (همان روحانی زمان مشروطه که در حدیث قبلی ، ذکر خیرش بود!!!) از کتاب فتوحات مکیه ، نوشته ابن عربی به نقل از امام صادق (ع) آورده است!!!

مرندی در کتاب لمعان الانوار ، ص ۳۴۴ ، این متن را آورده است و آن را از قول ابن عربی به امام صادق (ع) نسبت داده است.

در حالیکه وقتی به خود کتاب ابن عربی رجوع می کنیم ، می بینیم که این جمله ، از خود ابن عربی است ، و هیچ اسم و اشاره ای به امام صادق (ع) نشده است!!!! (کتاب فتوحات مکیه ، ج ۳ ، ص ۳۱۹)

واقعا که باید تمام قد بایستیم و یک تشویق حسابی بکنیم ، هم احمد الحسن را و هم طرفدارانش را ، بخاطر این همه دقت و ذوق در نقل حدیث که چقدر قشنگ حدیث نقل می کنند و چقدر هم قشنگ جعل!!!

بنده حقیر بارها با این طرفداران دو آتیشه این جریان صحبت کرده ام، اکثرشان بارها گفته اند که ما اصلاً به متن احادیث در کتب اصلی رجوع نمی کنیم و آن چه نوشته شده است در کتب یا سایت را نقل می کنیم!!!
خدا جزا دهد شیخ همیشه فراری از مناظره ، عباس فتحیه را.

در یکی از بحث هایی که با او داشتم ، گفته بود سند خواب وهب نصرانی ، در کتاب آقای اشتهااردی ص ۲۱۷ آمده است ، اما وقتی عکسی از آن صفحه کتاب فرستادم که هیچ اشاره ای به خواب نکرده ، متن نوشته خود را ویرایش کرد تا ضایع نشود!!!

آری ، این عباس فتحیه بود ، یکی از افراد خود بزرگ پنداشته این جریان ، که هرچه به او می گویند را فقط تکرار می کند ، بدون رجوع به منبع اصلی ، دیگر از بقیه این جریان چه انتظاری می رود!!!
در اینجا فاتحه این حدیث جعلی را که همیشه این جریان به آن استناد می کنند را خواندیم.

برویم سراغ حدیث بعدی

۳. در این جا هم به روایتی جعلی استناد شده است.

ج) جعلی دیگر از سخن ابن عربی به نام امام صادق علیه السلام

در قسمتی از مقاله ی مذکور در سایت احمد اسماعیل بصری ، گزارشی را از کتاب یوم الخلاص ذکر می کنند:

وایضاً علی نفس المعنی فی یوم الخلاص ص ۲۷۹

(اعداءه الفقهاء المقلدون، یدخلون تحت حکمه خوفاً من سیفه وسطوته، و رغبه فیما لدیه)

دشمنان مهدی علیه السلام ، فقهای مقلد ، غیر اندیشمند و اهل اجتهاد هستند و اگر هم حکومت

مهدی علیه السلام را می پذیرند از روی نفاق و ترس از مرگ است !

در کتاب یوم الخلاص این عبارت را چنین ذکر نموده است:

ثم جاء عنه علیه السلام بنفس الموضوع:

- یرج علی فتره من الدین، و من ابی قتل، و من نازعه خذل! یرظهر من الدین ما هو الدین علیه فی

نفسه، ما لو کان رسول الله یحکم به، اعداؤه الفقهاء المقلدون، یدخلون تحت حکمه خوفاً من سیفه و

سطوته (سلیمان، ۱۴۲۷ ، ص ۲۷۴)

در این جا نیز خطا از نویسندگان غیر عالمی مانند ابوالحسن مرندی و صاحب کتاب یوم الخلاص رخ داده است که به اشتباه این روایت را به امام صادق علیه السلام نسبت داده اند ، در حالیکه این سخن نیز از محیی الدین عربی می باشد. (ابن عربی ، بی تا ، ج ۳ ص ۳۱۹)

این هم یک نمونه از هوش سرشار احمدالحسن که نمی داند این جمله برای ابن عربی است ، نه امام صادق(ع). این روایت را هم زیاد طرفداران احمد الحسن نقل می کنند که در اینجا به راحتی فاتحه اش خوانده شد. ایکاش برای یک بار هم که شده ، طرفداران احمد الحسن و خودش به متن اصلی کتب رجوع کنند تا این گونه مفتضح و رسوا نشوند.

۴. اما برویم سراغ روایت چهارم. این روایت و نقدش را هم از مقاله استاد عزیزم ، استاد شهبازیان ، اینجا می آورم.

د) تمسک به حدیث جعلی دیگر از ابوالحسن مرندی

فاذا خرج القائم من كربلاء وارد النجف و الناس حوله، قتل بين كربلاء و النجف ستة عشر الف فقيه، فيقول من حوله من المنافقين: انه ليس من ولد فاطمة و الا لرحمهم، فاذا دخل النجف و بات فيه ليلة واحدة، فخرج منه من باب النخيلة محاذی قبر هود و صالح استقبله سبعون الف رجل من اهل الكوفة يريدون قتله فيقتلهم جميعاً فلا ينجى منهم احد (مرندی، ۱۳۲۸، ج ۳، ص ۳۴)

بنا بر این گزارش ذکر شده در کتاب نور الانوار ابوالحسن مرندی، ادعا گردیده که حضرت مهدی علیه السلام از کربلا خارج شده و به سمت نجف می روند و بین کربلا و نجف شانزده هزار فقیه را می کشند، او پس از آن هفتاد هزار نفر دیگر را که قصد کشتن حضرت را دارند می کشند!! این گزارش نیز در هیچ کتاب حدیثی اصیل و معتبری یافت نشده و میتوان آن را مانند دیگر گزارش های منقول از ابوالحسن مرندی بی اعتبار و بلکه جعلی دانست، دیگر منابع نیز از ایشان نقل کرده اند و از روی جهل تبدیل به روایت گردیده است (زین العابدین، ۱۴۲۵، ج ۳ ص ۱۶۸). همان گونه که تذکر داده شد، متأسفانه این نویسنده ، در نقل روایات فردی بی مبالا بوده و یا از احادیث جعلی بهره برده و یا جعل حدیث می نموده است.

آری ، این روایت هم مثل دیگر روایاتی که این جریان به آن استناد می کنند ، جعلی است و در هیچ کتاب حدیثی ای نیامده است.

ما مانده ایم احمد الحسن چرا بجای استناد به کتب مشهوری مثل کافی ، کمال الدین ، الغیبت و... ، رفته است به کتبی استناد کرده است که هیچ گونه اعتباری ندارند و نویسندگان بارها احادیث جعلی را در کتب خود آورده اند. اینجاست که آدم یاد این شعر طنز می افتد که:

چون قافیه به تنگ آید

شاعر به جفنگ آید!!!

اما حال بعد اینکه مشخص کردیم چندین روایت از این جریان دروغگو را که چطور جعل حدیث می کنند ، به شگرد دیگر این جریان می پردازیم ، شگردی که در آن از احادیث صحیح ، چطور برداشت غلط می کنند.

۱. روایتی که آنها از آن سو استفاده می کنند این می باشد :

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: 9: سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ يُسَمَّوْنَ

بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فَقَهَاءِ تَحْتَ

ظِلِّ السَّمَاءِ مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعُودُ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص: ۳۰۸).

رسول خدا⁹ فرموده است بر مردم زمانی آید که از قرآن جز نامی نماند و از اسلام و مسلمانی جز

اسمی نیست مردم خود را مسلمان نامند و از مسلمانی دورترین مردم هستند، مسجدهای آنان آبادان

است و از رهبری و هدایت بحق تهی است فقیهان این دوران بدترین فقهای زیر آسمانند فتنه از آنها

برآید و بدانها بازگردد.

اما توضیح این روایت ،

اولا هیچ کدام از شیعیان نمی گویند که علما معصوم هستند ، ما معتقدیم شیعه علمایی داشت و حتی بالاتر از آن ، افرادی از وکلای امام زمان بودند همچون احمد بن هلال کرخی و شلمغانی ، که به خاطر دنیا دوستی و مطامع دنیایی به راه کج رفتند و منحرف شدند. اما این دلیل نمی شود بگوییم همه علمای شیعه ، این گونه اند!

ثانیا با توجه به روایاتی که در ابتدای بحث آوردیم درباره جایگاه علما، مشخص می شود که این روایت به همه علما اشاره ندارد، و اصلا فقط مختص علمای شیعه نیست، بلکه می تواند علمای ناصبی و وهابی را هم شامل شود.

پس صرف وجود نام علما در روایت، نمی شود حکم داد که این روایت، منظورش تمام علمای شیعه است!!!

۲. و اما روایت دوم که یکی از معروف ترین روایاتی است که جریان احمد بصری به آن اشاره دارند در رد فقها و علما، روایت زیر می باشد که به جهت طولانی بوده، فقط متن ترجمه آن را می آوریم، اما آدرس متن عربی را قرار می دهیم برای رجوع اهل تحقیق.

حسن بن بشیر، از ابی الجارود روایت کرده که می گوید: (از امام باقر 8 سؤال کردم قائم شما چه زمانی قیام می فرماید؟ فرمود: ای ابا جارود شما آن زمان را نخواهید دید. عرض کردم اهل زمانش چگونه؟ فرمود: اهل زمانش را هم نمی بینی. قائم ما بعد از مایوس شدن و نا امید گشتن شیعیان قیام می کند و مردم را سه بار دعوت می کند و به کمک می طلبد ولی هیچ کس پاسخ او را نمی دهد، تا آنکه روز چهارم به پرده کعبه می چسبد و می گوید: خدایا یاریم کن و دعایش رد نمی شود. خداوند نیز به ملائکه ای که رسول الله (صلی الله علیه و آله) را در روز بدر یاری کردند دستور می دهد حضرت مهدی علیه السلام را یاری کنند و آنها که تا آن زمان هنوز آماده باش بوده و زین اسبها و اسلحه های خود را زمین نگذاشته اند با حضرت بیعت می کنند، سپس سیصد و سیزده مرد با حضرت بیعت می نمایند و حضرت به مدینه رفته ... و آنگاه به سمت کوفه حرکت می نماید و شانزده هزار تن از بتریه گروهی شبیه خوارج را که مسلح اند و قاریان قرآن هستند و فقهاء در دین بوده و از زیادی سجده پیشانی آنها زخم شده و نفاق تمام وجودشان را پر کرده است، به حضرت می گویند: ای فرزند فاطمه، بر گرد که ما نیاز به تو نداریم، آنگاه حضرت در عصر روز دوشنبه در پشت نجف تا شب تمامی آنها را به سرعت می کشد و هیچ یک از آنان جان سالم به در نمی برد، و اصحاب حضرت هیچ یک آسیب نمی بینند گر چه خون مقدس آنها وسیله ی تقرب به خداوند متعال می باشد، سپس حضرت وارد در کوفه شده، و آنقدر از جنگاوران را می کشد تا خدا راضی گردد.

متن عربی این روایت در کتاب دلائل الامامه، ص ۴۵۵ آمده است.

ابتدا نظر تحریفی جریان احمدالحسن درباره این روایت را می آوریم و سپس فاتحه این نقد آنان را با همدیگر و یکصدا می خوانیم!

احمد بصری مدعی یمانی و یارانش این روایت را علیه فقها استفاده کرده و پس از تحریف در معنای آن چنین می گویند :

بتریه کسانی هستند که معتقدند امام مهدی 8 ابتر (بی فرزند) است همانطور که به رسول الله 9 گفتند ابتری، و سوره کوثر نازل شد. ان شانک هو الأبر.

و این بدان معنا است، کسانی که معتقدند امام مهدی 8 ابتر است همان دشمنان قائم هستند (۱۸۸۲۸) <http://www.alnahdyoon.com/ir/showthread.php?t=۱۸۸۲۸>.

این گروهک ادعا دارد که اولاً: مراد از قائم در این جا احمد اسماعیل بصری می باشد، نه امام مهدی علیه السلام (<http://almahdyoon.org/shiaa/10013-9a2em2.html>)

ثانیا: مراد از بتریه کسانی هستند که معتقدند امام مهدی علیه السلام ابتر می باشد و فرزند ندارد. در پاسخ لازم است فارغ از اشکالات سندی^۱ و دلالتی این روایت، به نکات زیر توجه نمود:

اولاً: در صدر روایت به صراحت قرآنی وجود دارد که نشان می دهد مراد از قائم در این متن، حضرت مهدی موعود امام دوازدهم می باشد، به ویژه اینکه بیعت سیصد و سیزده نفر در مکه با این قائم ذکر شده است و احمد اسماعیل و تابعانش قبول دارند هر جا سخن از بیعت سیصد و سیزده تن با مهدی یا قائم باشد، قطعاً مراد حضرت مهدی علیه السلام است.

ثانیا: مراد از بتریه^۲ طایفه ای از زیدیه هستند که اگر چه شیعه می باشند و حضرت علی علیه السلام را افضل صحابه می دانستند اما، قائل به درستی امامت و خلافت ابوبکر و عمر هم هستند و از مخالفان این دو برائت جسته و مذمتشان می کردند؛ که این مطلب خلاف مبانی شیعه ی اثنا عشریه است. (کشی، ۱۳۶۳، ج ۲ ص

لذا اگر این روایت را از سنخ روایت های جعلی با انگیزه های فرقه ای در باب مهدویت ندانیم؛ مراد گروهی از زیدیه هستند که حضرت مهدی علیه السلام با آنان مقابله خواهند نمود. موید این سخن اینکه روایت مشابه در کتاب مرحوم نیلی نجفی چنین آمده است :

و من ذلك بالطريق المذكور، يرفعه إلى أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: إذا ظهر القائم على نجف الكوفة خرج إليه قرآء أهل الكوفة و قد علقوا المصاحف على أعناقهم و في أطراف رماحهم، شعارهم (یا ۲۲۱۲۱ یا ۲۴۷ تر) و يقولون: لا حاجة لنا فيك يا ابن فاطمة (الخ) (نیلی نجفی، ۱۳۸۴، ص: ۶۷).

امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که قائم در نجف کوفه ورود می کنند، قاریان قرآن در کوفه در حالیکه قرآن ها را به گردن دارند، روبروی ایشان قرار می گیرند، شعار این ها «یا ابابکر» و «یا عمر» است و خطاب به قائم می گویند: ما نیازی به تو نداریم ...

در این روایت به صراحت افرادی معرفی شده اند که همان تفکر زیدیه های بتریه را دارند و هیچ ارتباطی میان این دسته روایات با فقهای نجف وجود ندارد.

خب تا بدینجای کار ما سه کار را کرده ایم.

ابتدا روایاتی در باب نقش علما و فقیهان در زمان غیبت و جایگاه رفیع آنان ، آوردیم.

سپس به نمونه هایی از روایات جعلی و دروغین که جریان احمد الحسن به آن تمسک می کنند برای رد کردن علما و فقها ، اشاره کردیم.

و در قسمت سوم ، روایات سند داری را آوردیم که جریان احمد الحسن ، مثل امام کذاب خودشان ، آن ها را تحریف کرده اند یا بد معنی کرده اند.

واقعا مانده ایم ، کسی که حتی قدرت تشخیص این را ندارد که فلان جمله از یک آدم عادی است یا امام معصوم ، چطور می خواهد امام باشد و دعوی عصمت و علم الهی و وزیر امام زمان بودن و... کند؟

التماس تفکر برای جریان احمد بصری کذاب

اما در بخش دوم مقاله ، ان شالله دلایلی متقن از کتب شیخ مفید و شاگردانش سید مرتضی علم الہدی و شیخ طوسی خواهیم آورد کہ در آن به اثبات بحث اجتهاد و فتوا و تقلید ، خواهیم پرداخت. قسمت دوم مقاله را کہ به این موضوع اختصاص دارد ، در شماره بعدی خواهید خواند.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

خادم شما عزیزان مہدی یاور

احسان عبادی